بسم‌الله الرحمن الرحیم

**متن درس فقه عبادات (ستر و ساتر) [[1]](#footnote-1) استـاد شوپایی جویباری زیدعزه**

اعوذبالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و لعنه الله علی اعدائهم اجمعین

# [مرور گذشته: حرمت نگاه التذاذی]

# در این بحث (که در مطلب پنجم از مباحث ستر در کلمات مرحوم سید مطرح شده است)، به این موضوع پرداخته می‌شود که نگاه کردن به وجه و کفین زن به صورت التذاذی برای مرد حرام است و بر زن نیز واجب است که این اعضا را از نگاه‌های التذاذی بپوشاند. در عبارت عروه، هم حرمت نگاه کردن و هم وجوب ستر ذکر شده است و در اینجا به بررسی دلیل این موضوع پرداخته می‌شود.

# [دلیل ارتکاز و سیره]

# در بخش وجوب ستر، بر زن واجب است که وجه و کفین خود را از نگاه‌های التذاذی بپوشاند. از کلام مرحوم آقای حکیم می‌توان استفاده کرد که یکی از دلایل بر این موضوع، ارتکاز متشرعه است و بر زن لازم است که ستر وجه و کفین را رعایت کند. به این ارتکاز، آنچه در کلمات آقای تبریزی آمده است نیز اضافه می‌شود که سیره متدینین در میان زنان متشرعه این امر را تأیید می‌کند. بنابراین، علاوه بر ارتکاز، سیره نیز وجود دارد و وجوب ستر را اثبات می‌کند.

# [ادله دیگر]

حال ایا غیر از ارتکاز و سیره دلیل دیگری در بین است یا خیر؟ مرحوم اقای داماد فرموده اند با توجه به اینکه در قسمت حرمت النظر، ادله لفظیه قابل توجهی داریم از این ادله به ضم یک مقدمه می‌توانیم وجوب الستر علی المراه را استفاده کنیم:

## [وجه و ضمیمه اول: حرمت اعانه بر اثم]

اگر مقدمه حرمت اعانه بر اثم را به دلایل حرمت نگاه اضافه کنیم، نتیجه می‌گیريم که نمایش بدن در برابر نگاهی که به‌قصد لذت است، جایز نیست. [[2]](#footnote-2)

## [وجه و ضمیمه دوم: لزوم نهی عملی از منکر]

بعد از فراغ از اینکه تستر زن از نگاه شهوانی مصداق عملی نهی از منکر است به ضم وجوب نهی از منکر به ادله حرمت نظر، وجوب ستر زن بدنش را از نگاه التذاذی به دست می‌آید. [[3]](#footnote-3)

## [بررسی وجه اول]

حال ایا این دو وجه تمام است یا خیر؟

### [نقد و بررسی کبروی وجه اول]

نسبت به وجه اول در کلام خود اقای داماد امده است ایا اعانه بر اثم حرام است یا خیر؟! موکول به مبحث مکاسب است در جلسه قبل بیان شد که اعانه بر ظلم حرام است ولی ایا اعانه بر اثم حرام است یا خیر؟ در برخی از موارد اعانه بر اثم می‌توان ملتزم بر حرمت شد زیرا که مورد از موارد ترغیب به حرام است و ترغیب به حرام چه به عمل باشد چه لفظ و گفتار باشد حرام است و حرمتش از فحوی ادله نهی از منکر و هم از ادله خاص مثل ایه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ یُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۚ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ.»[[4]](#footnote-4) استفاده می شود لذا در برخی از موارد ایجاد مقدمه برای اینکه شخص آخر فعل حرام انجام دهد از موارد ترغیب حرام میشود و در جایی که مقدمه قریبه باشد نه بعيده و نزدیک انجام حرام باشد در کنار اینکه مقدمه منحصره باشد در این موارد از موارد ترغیب حرام است و حکم حرمت قابل التزام می باشد.

### [نقد و بررسی صغروی وجه اول]

حال اگر از نظر کبروی قبول کنیم اعانه بر اثم مطلقاً یا در برخی از موارد حرام باشد ایا در محل کلام قابل تطبیق است و اینکه زن کشف وجه کرده است برای نگاه التذاذی مرد ایا مصداق اعانه بر اثم است یاخیر؟ از جهت صغروی باید بررسی کرد:

#### [تطبیق صغروی اعانه بر اثم در ما نحن فیه]

تقریب اينکه محل بحث از موارد اعانه بر اثم است این است که زن کاری انجام می‌دهد و از جهت عملی موضعی را اتخاذ کرده است که فعل حرام صادر از مرد متوقف بر آن است يعنی از موارد ایجاد مقدمه برای صدور فعل حرام است اگر چه معصیت را کس دیگری انجام می‌دهد ولی تحقق معصیت متوقف بر مقدمه‌ای است که زن آن را انجام می‌دهد يعنی مکشوف گذاشتن وجه و کفين لذا در اینجا نگاه التذاذی از مرد اجنبی به وجه و کفین زن حرام است و این نگاه التذاذی بخواهد تحقق پیدا کند متوقف است بر اینکه صورت زن مکشوف باشد و مستور نباشد پس این کشف وجه می‌شود مقدمه برای تحقق حرام و عنوان اعانه بر اثم دراینجا صدق می‌کند زیرا که اعانه یعنی شخصی مقدمه‌ای ایجاد کند تا حرام ایجاد شود آن هم اعانه بر اثمی که از مصاديق ترغيب به حرام است .

#### [اشکال صغروی اقای تبریزی]

مرحوم اقای تبریزی در کتاب النکاح اشکال کرده‌اند که از جهت صغروی اشکال وجود دارد زیرا در موردی که زن ستر صورت نمی‌کند به غرض تحقق حرام نیست و به غرض اینکه مردها به او نگاه التذاذی کنند نیست بلکه بر اساس اغراض شخصیه خودش کشف وجه کرده است و در اجتماع حاضر شده است و به این عنوان که حرام از شخص دیگر صادر شود انجام نداده است لذا عنوان اعانه بر اثم از جهت صغروی بر کشف وجه زن تطبیق نمی‌شود

آیا اين اشکال تمام است یا خیر؟ این بحث متوقف بر یکی از مباحث قاعده اعانه بر اثم است که آیا اعانه اثم که حرام است ایجاد مقدمه مطلقاً مصداق اعانه بر اثم است یا در جایی که به قصد تحقق حرام از ديگری باشد؟ در مثال‌های بیع عنب به قصد اینکه مشتری از او خمر بسازد آیا قصد اینکه شخص آخر و عاصی حرام را انجام دهد در صدق اعانه و تحقق حرمت دخالت دارد یا خیر؟

#### [مناقشه در اشکال صغروی]

وجه مختار در آن بحث این است که در صدق اعانه بر اثم (بر فرض اثبات حرمت و وافی بودن دلیل ) اینکه معین در ایجاد مقدمه قصدش این باشد که بوسیله مقدمه و فعل او، معان و عاصی عمل حرام را انجام دهد، این قصد معتبر نيست وشرطیت ندارد و قصد ترتب فعل حرام در صدق اعانه دخيل نیست بلکه عنوان اعانه همین مقدار که شخص به فعل خودش ملتفت است و می‌داند که یترتب علیه فعل حرام در خارج، همین کافی است برای اینکه عنوان اعانه صدق کند و اگر قائل به حرمت اعانه شدیم، مورد از موارد حرام باشد.

#### [جمع بندی وجه اول]

لذا اينکه از ضم مقدمهٔ حرمت اعانهٔ بر اثم به ادله حرمت نظر التذاذی نتیجه بگیریم وجوب الستر علی المرأة را ، این وجه تامی است.

## [بررسی وجه دوم]

مورد از موارد نهی از منکر است زیرا که زنی که وجهش مکشوف است با علم به اینکه دیگری دارد نگاه حرام به او می‌کند و کار دیگری کار حرام و منکر است، این زن باید نهی از منکر بکند به حسب این ادله فرقی نیست بین اینکه شخص قولا نهی از منکر کند یا با فعل خودش نهی از منکر کند تا نگاه شهوانی مرد اجنبی عملاً منتفی شود.

مرحوم اقای داماد استشهاد کرده‌اند بر نهی از منکر عملی به تحویل وجه فضل در روایت نبوی و داستان نگاه فضل

### [مناقشه در این وجه]

ما نحن فیه در تستر زن در مقابل کشف وجه، از مصادیق نهی از منکر نیست بلکه از مصادیق منع از منکر است و نسبت به انجام دادن منکر، شخص آخر بخواهد جلوی ارتکاب حرام را بگیرد، شخص آخر به دو وجه ممکن است که جلوی حرام را بگیرد:

یک قسم این است که نهی از منکر کند و مومنی، مومن دیگر را نهی از منکر کند به طوریکه شخص مورد نهی به اختیار خودش منکر را انجام ندهد و در کنار امر به معروف و همانطور که در موارد امر، امر به ایجاد واجب می‌کند و شخص به اختبار خودش معروف را انجام می‌دهد در موارد نهی از منکر، جوری نهی شود که با اختیار خودش ترک حرام کند.

در مقابل، قسم دیگر این است که عاصی را منع از منکر کند به صورتی که تکوینا جلوی تحقق معصیت از دیگری را بگیرد ، در قسم اول ، ادله اختصاص به طائفه ای دون اخری ندارد و هر مومنی نسبت به مومن دیگر این ولایت امر و نهی را دارد ولی منع از منکر یا دفع منکر که مومن کاری کند که معصیت از دیگری امکان تحقق عملی نداشته باشد وعملا متروک بماند، این به عنوان وظیفه همه مؤمنين دلیلی بر آن نداریم اينکه جلوگیری عملی از مطلق معاصی به نحو منع و دفع تکوینی بر همه مؤمنين واجب باشد دلیل ندارد ، بلی نسبت به اهل و خانواده، مؤمن حق و وظیفه دارد که هم "نهی" و هم " منع و دفع تکوینی" از منکر را انجام دهد. دلیل این امر به وضوح در آیه‌ای آمده است که می‌فرماید: «یَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»[[5]](#footnote-5).؛اما در مورد افرادی غیر از اهل و خانواده، دلیل خاصی برای منع و دفع تکوینی از منکر وجود ندارد. بنابراین، در محل بحث ، زن مؤمنه‌ای که در معرض نگاه حرام و لذت‌بخش قرار گرفته است، موظف به تستر و عدم کشف وجه نیست؛ بلکه این موضوع مصداق دفع تکوینی منکر است و برای الزام به این نوع دفع دلیلی نداریم و الحاصل اينکه ادله نهی از منکر در مورد همه معاصی نهی از منکر را واجب می‌کند ولی در مورد منع از منکر دلیل نداریم که برای جمیع معاصی از بدو الی الختم لزوم منع تکوینی و دفع معصیت را ثابت کرده باشد.

لذا وجه دوم وجه تامی نیست.

## [دلیل دیگر: سورة نور: ذیل آیة 31]

مرحوم اقای تبریزی فرمودند برای وجوب ستر بر زن در جایی که مورد نگاه التذاذی واقع شود می‌توان به ایه غض البصر تمسک کرد در فقره «وَلَا یَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِیُعْلَمَ مَا یُخْفِينَ مِنْ زِینَتِهِنَّ» از اين فقره ایه شریفه وجوب ستر استفاده می‌شود چون در آيه بيان شده است که زن‌های مؤمن پاهایشان را محکم به زمین نزنند که این داشتن خلخال در پا سبب جلب نامحرم به آنها بشود و از آنجا که داشتن خلخال خصوصيت ندارد از آیه شریفه استفاده می‌شود که زن هر کاری که موجب جلب نظر نا محرم به او می‌شود را نباید انجام دهد لذا در مواردی که زن کشف وجه کند و می‌داند این کشف وجه سبب نگاه التذاذی نا محرم به او می‌شود، این کشف وجه بر او حرام است لذا در برخی از موارد که عرف بر تستر و پوشیه زدن است در آن مناطق اگر کشف وجه باعث جلب نظر نامحرم شود زن بايد صورتش را بپوشاند . [[6]](#footnote-6)

و نيز اگر زن در موقعیت‌هایی امتیاز خاصی داشته باشد که هر جا که برود، توجه دیگران را نسبت به سایر زنان جلب می‌کند. همچنین، در مواردی که زن می‌خواهد قرآن بخواند، مداحی کند یا شعری با مضامین معنوی بخواند، اگر شیوه خواندن او به گونه‌ای باشد که موجب جلب نظر باشد یا با فعالیت‌های دیگری که ممکن است نظرها را جلب کند، همراه باشد، این موارد به استناد آیه شریفه ممنوع می با شد .

هذا تمام الکلام در مطلب پنجم در فصل ستر و ساتر فی حدنفسه.

1. شنبه ،24 آذر ،1403 [↑](#footnote-ref-1)
2. کتاب الصلاة (محقق داماد)، جلد: ۱، صفحه: ۳۶۵ :« أمّا وجوب الستر على المرأة حينئذ فيبتني على حرمة النظر إليها حينئذ، و ذلك بوجهين: أحدهما أنّها مع علمها بأنّ‌ الناظر ينظر إليه حراما فلو لم تستر عنه لإعانته على المعصية و هو حرام. و هذا الوجه - كما ترى - مبنيّ‌ على صدق الإعانة عليه و هو الأظهر. و تفصيل المطلب يطلب من مكاسب الشيخ الأعظم (قدّس سرّه).» [↑](#footnote-ref-2)
3. همان :« و الثاني انّها مع هذا العلم يجب عليها نهي الناظر، و تستّرها نهي عن المنكر عمليّ‌، و لذلك فقد حوّل رسول اللّٰه صلّى اللّٰه عليه و آله وجه «الفضل» عن النظر إلى الأجنبية بحضرته، على ما رواه في «مستدرك الوسائل» عن بعض نسخ «فقه الرضا» عليه السّلام ... فستره صلّى اللّٰه عليه و آله لوجه الفضل عن النظر إليها نهي عن المنكر عملي النهي عن المنكر كما تدلّ‌ على وجوب القولي منه تدلّ‌ على وجوب العملي أيضا» [↑](#footnote-ref-3)
4. سوره مبارکه نور /آیه 19 [↑](#footnote-ref-4)
5. سوره مبارکه تحریم / آیه 6 [↑](#footnote-ref-5)
6. تنقیح مباني العروة (الصلاة)، جلد: ۲، صفحه: ۱۴ [↑](#footnote-ref-6)